



# چهل دختران



چهل دختران ، نام اماکن زیادی در کشورهای چون افغانستان ایران ازبکستان تاجکستان آذربایجان ترکیه گرجستان و اوکراین میباشد . که گفته میشود داستان چهل دختران یک داستان است که ساحه وسیع را پوشانیده است. از روی اماکن چنین استنباط گردید که این واقعه در زمان جنگهای ایرانیان و تورانیان رخ داده است. در ایران و ترکیه یک شهر بنام چهل دختران وجود دارد. در ازبکستان داستان چهل دختران و قلعه چهل دختران وجود دارد که بنام قرق قز (Qriq qiz) یاد میشود طبق تحقیقات که بنده نمودم داستان آن را به دوران امیر تیمور منصوب نموده اند که دختری بنام گهر سر لشکر چهل دختران جنگجو در سمرقند بود که به صدها دشمن را از بین برده سرانجام گهر سر لشکر تمام گردید تا آنکه دشمن با تلفات زیاد داخل قلعه میشود و گهر ناپدید میشود. در ترکیه هم مشابه به این افسانه قصه های وجود دارد. اما در ایران منار چهل دختران وجود دارد که به خط میخی و نس نوشته شده است. در جای دیگر به خط کوفی نوشته شده است یعنی قبل از اسلام خط میخی در دوره کوشانیان و تمدن بین النهرین مروج بود.

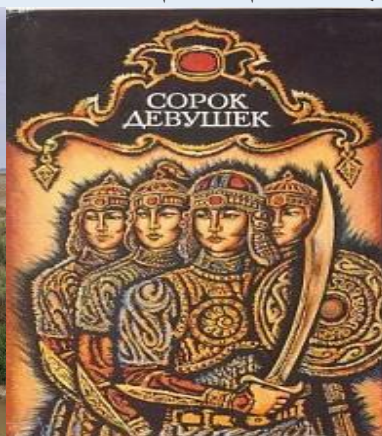
در کشور عزیز ما افغانستان نامهای زیاد از اماکن بنام چهل دختران مسما است که به گونه مثال از چند آن نام نیبریم .



چهل دختران ترمز



چهل دختران نزدیک اورگنج ازبکستان



چهل دختران قریه چهار دهی کابل، جوی چهل دختران کابل، منطقه چهل دختران غوربند، کوه چهل دختران هرات، چهل دختران بلخ، قلعه چهل دختران سمنگان، قریه چهل دختران شهر میمنه، زیارت چهل دختران ولایت قندهار، قلعه چهل دختران ولایت قندز.

## وجه تاریخی

چهل دختران داستان حقیقی است که در سالهای ۶۱۹ میلادی یعنی ۳۶ سال قبل از ورود اعراب به افغانستان بوقوع پیوسته است. این داستان فراریکی از شاهدخت دوره شاهان سامانی را با ۳۹ تن یاران او از شر تورانیان ترک بیان می‌نماید. در راس این چهل دختر شاهدخت زیبایی بنام فرحناز قرار داشت که معشوقه و امانت مرد قهرمان و زیبایی بود. فرحناز با چهل یارانش جنگهای متعدد را با تورانیان در آسیای مرکزی می‌نماید تا آنکه توران محل به محل را در اسارت تورانیان قرار می‌گیرد. سپس جنگهای شدید بین باشنده گان بلخ و ترکها به نفع تورانیان در حال ختم بود که این دختران از بلخ فرار نموده در سمنگان خویشرا در داخل قلعه مخفی می‌سازند. مرد جوان در میدان جنگ از عقب تیر می‌خورد. زخم شدید بر می‌دارد و دیگر توانائی جنگ از دستش می‌رود بر می‌گردد تا فرح را دیده جان به حق دهد. مرد با مشکلات خود را به نزدیکی قلعه می‌رساند. دختران به شاهدخت احوال رسانیدند که عاشقش در پای قلعه جان می‌دهد. شاهدخت به عجله خواست عشقش را ببیند. زمانیکه می‌بیند عشقش از عقب تیر خورده با آن همه دوستی اش دروازه قلعه را به جوان باز نمی‌کند. او تصور می‌نماید که جوان از جنگ فرار کرده و از عقب تیر خورده است. پس از لحظه مرد جوان جان به حق می‌دهد. تورانیان غالب به دنبال قهرمان و شاهدخت در جستجو بودند. پس از مرگ جوان چهل دختران به محل نا معلوم رفته ناپدید می‌شوند. بدین ترتیب تورانیان مناطق و کشورهای زیادی را برای دریافت چهل دختران زیر پا سم اسپهای خویش قرار می‌دهند ولی موفق به دریافت چهل دختران نمی‌شوند. کنون تعداد زیادی از قلعه‌ها کوه‌ها و مناطق در کشورها به این نام یاد می‌گردد. گویند افراد شاهدخت برای فریب دشمن در محلات مخالف مسیر راه چهل دختران قلعه اعمار نموده خود را ناپدید می‌نمودند. تا آنکه برای همیشه ناپدید شدند. از آن پس هرکی به مقصدی ویا به منظور شهرت، محلات را بنام چهل دختران نام گذاری نمودند. در کشور ایران محلات مجلل قدیمی بنام چهل دختران مسما است. زیرا اماکن خیلی قدیمی در ایران بنام چهل دختران است؛ ولی ایرانی‌ها تا اکنون در مورد تحقیق ننموده‌اند. لازم است چندین کشور مشترکاً در مورد این افسانه حقیقی تحقیق نمایند.

رادیو افغانستان در سال ۱۳۴۵ رادیو داستان از این چهل دختران را ثبت نموده بود. بدین معنی است که کسی در مورد چهل دختران چیزی را میدانسته و نوشته بود. دوستان که در مورد این داستان بیشتر می‌دانند ما را کمک کنند. گروه گویند که داستان چهل دختران از دودمان قبل از سامانیان است. باید بدانید که نصر سامان در بلخ تولد شده است و داری دین زردشتی بود. پس از ورود اعراب این خانواده به دین اسلام مشرف شده و در نتیجه به مذهب اسماعیله رو آوردند. بازماندگان این خانواده در بدخشان افغانستان تا اکنون پیرو این مذهب هستند. یکتعداد از برادران هزاره این داستان تاریخی را نیز به نفع خود چرخ داده از آن قصه‌های که ریشه تاریخی ندارد ساخته است. طبیعی است که دستگاه ایران درین داستان خط مقدم دارد. اگر داستان چهل دختران هزاره واقعیت می‌داشت. فیض محمد کاتب صاحب و غبار صاحب در مورد حتماً می‌نوشت. باید گفت که عساکر و ملیشه‌های عبدالرحمن خان بالای ۴۰ دختر ظلم نکرده بلکه شمارش آن از صدها بلند بود. عبدالرحمن گروه را اجیر نمود تا درین جنگ سهیم شوند. از اینکه دولت پول نداشت به اجیران گفتند تا اسیران را بقسم کنیز و غلام بفروش برسانند. تا آنکه امیر حبیب اله پسر عبدالرحمن غلامی را ننگ بشریت خوانده ازین خطه از بین برد. علت که عبدالرحمن بالای غرستان حمله کرد این بود که آنها از دادن مالیه

سر باز زدند بدین ترتیب کوشش می نمودند تا از این بار گران خویشرا سبکدوش نمایند بدین منظور سه بار جنگ بین دولت عبدالرحمن و هزاره ها صورت گرفت در نتیجه هزاره ها به نسبت کمبود آذوقه مرمی و افراد جنگی شکست قطعی خوردند.



منار چهل دختران اصفهان



برج چهل دختران دامغان ایران



مجسمه چهل دختران ازبکستان



خانقا چهل دختران ترمز ازبکستان

تشکر از مطالعه تان  
کریم پوپل

منابع

GAUKHAR - THE LEADER OF SAMARKAND AMAZONS LEGENDS ABOUT KYRK-KYZ - FORTY GIRLS  
[http://www.orexca.com/legends\\_kyrkkyz.shtml](http://www.orexca.com/legends_kyrkkyz.shtml)

2. وی کی پیدی افسارسی چهل دختران

3. چهل دختران در وبگاه خاوران

<http://bazaar.af/%DA%A9%D8%AA%D9%80%D9%80%D9%80%D8%A7%D8%A8%D8%AE%D9%80%D9%80%D9%80%D8%A7%D9%86%D9%87-%D8%AE%D9%80%D9%80%D9%80%D9%80%D8%A7%D9%88%D8%B1%D8%A7%D9%86%DA%86%D9%87%D9%80%D9%80%D9%80%D9%80%D9%84-%D8%AF%D8%AE%D8%AA%D9%80%D9%80%D9%80%D8%B1%D8%A7%D9%86.html>

4.

